

آداب سفر زیارتی حج در آوه

سید علیرضا هاشمی*

hashemi@radioresearch.ir

از شهرستان ساوه که ۲۴ کیلومتر به طرف سلفچگان برویم، جاده‌ای فرعی به طرف قم جدا می‌شود که به جاده جعفرآباد - قم معروف است. روستای آوه «āve» در شش کیلومتری این جاده قرار دارد.

«آوه به خاطر واقع شدن در جلگه ساوه و در کنار رود بزرگ گاو‌ماها در منطقه‌ای نسبتاً محصور در میان کوهستان قرار دارد و از دیرباز به آبادانی و نعمت و خرمی و هوای خوب معروف شده است. عبدالله مستوفی از هوای معتدل و بستن یخ در چاه‌های آن در زمستان (که در تابستان از آن بهره می‌گرفتند) یاد کرده است. همچنین در کتاب خود ذکر کرده است که در آوه غله و پنبه بسیار به عمل می‌آید و در میان میوه‌ها انجیر آن بهتر بود ولی نان آن چندان خوب نبود.» (الویری، ۱۳۸۰: ۴۲)

«معاصرین نیز هوای آن را معتدل دانسته‌اند و آب آن از قناتی به نام آغلک یا رودخانه‌ای به نام رود آوه که از تفرش می‌آید، تأمین می‌شود. غلات آن بنشن، پنبه، انار و انجیر و شغل مردم گله‌داری و زراعت است.» (همان، ۴۳)

از جمعیت آوه قدیم اطلاع دقیقی در دست نیست، اما جمعیت آوه جدید حدود ۴۰۰۰ نفر (۸۰۰ خانوار) اعلام شده است. زبان رایج میان مردم روستای کنونی آوه، مانند بسیاری از روستاهای اطراف ساوه، فارسی و ترکی است.

«در عموم منابع قدیم، آوه به عنوان یکی از شهرهای مهم شیعه‌نشین بوده و مردم آن به عنوان شیعیانی متعصب وصف شده‌اند^(۱). تا آنجا که نام آوه تداعی‌کننده یک مرکز مهم و فعال شیعی بوده است؛ عموم منابع معاصر نیز آوه را به همین صفت وصف کرده‌اند، زیرا در زمان علویان آوه یکی از مهمترین پایگاه‌های آنان به شمار می‌رفت.» (همان، ۴۹)

* کارشناس ارشد مردم‌شناسی

۱- به عنوان نمونه یاقوت (معجم) ج ۱: ۵۰. قزوینی (آثار البلاد): ۲۸۳، مستوفی (نزه القلوب): ۶۰ با این عبارت «مردم آنجا سفید چهره و شیعه اثنی عشری‌اند و در مذهب به غایت متعصب و با هم اتفاق نیکو دارند» آورده‌اند. (به نقل از جغرافیای تاریخی آوه، ۱۳۸۰: ۴۹)

به واسطه ارادتی که اهالی آوه به خاندان عصمت و طهارت دارند و به واسطه سابقه طولانی آنها در گرایش به مذهب جعفری اثنی عشری، بی تردید انجام اعمال و مناسک و مناسبت های مذهبی آنها نیز با آمیختگی با مذهب تشیع، جایگاه ویژه ای به آنان داده است. در این بین اعمال و مناسک حج و آداب و رسوم آن نیز میان اهالی از قداست خاصی برخوردار است، به طوری که در حال حاضر نیز این آئین ها و مناسک نه به شدت قدیم بلکه در حد یک مراسم آئینی معمول مورد استقبال و انجام اهالی قرار می گیرد.

در آوه مسافر حج مورد احترام و حرمت اهالی واقع می شود. به خصوص حج واجب که افراد مستطیع و خوشنام با قصد عزیمت به این سفر روحانی از هر سو مورد توجه اهالی و همسایگان خود قرار می گیرند و این توجه موجب می شود که مراسم آئینی مربوط به بدرقه و استقبال حاجی با ویژگی ها و احترام خاصی برگزار گردد.

فرد مستطیع و خانواده وی بابت این سفر روحانی بسیار خوشحال هستند و با نزدیک شدن به ماه ذی القعدة به برنامه ریزی و تدارک سفر می پردازند. ابتدا یکی دو هفته مانده به عزیمت، فرد مستطیع به همراه همسر یا برخی بستگان نزدیک خود سفری به شهر مقدس قم خواهند داشت تا دیداری با یکی از آیات عظام یا مراجع تقلید داشته باشند، آنگاه زائر صورت اموال خود را ارائه می نماید تا عالم دین مبلغ خمس و زکات مال او را تعیین نماید. با پرداخت خمس و زکات فرد مستطیع دین اصلی خود را ادا نموده و فارغ البال از انجام این دین به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها می شتابد. با بازگشت از این سفر مراسم «حلالیت طلبی» از دوستان و آشنایان و همسایگان آغاز می شود. حلالیت طلبی یکی از عمده ترین مراحل است که فرد مستطیع به انجام آن می پردازد. بی شک افراد در طول حیات خود ممکن است به دلایلی موجبات رنجش خاطر دیگران را فراهم آورده و یا خود به دلایلی از دیگران رنجیده باشند. در مجلس «حلالیت طلبی» ضمن تداوم مروت و دوستی، کدورت های گذشته را نیز برطرف می کنند تا زائر با قلبی صاف و بدون کینه و کدورت به زیارت خانه خدا نایل شود. بی تردید سایر مؤمنین نیز در این مجلس در صورت داشتن کدورت قبلی به بخشش و صلح و دوستی با زائر تن می دهند؛ چرا که قداست سفر، دیده و دل افراد را جلا بخشیده و گذشته ها را به فراموشی می سپارد.

زائر خانه خدا پس از این مراسم به نوعی از خانواده و همسر و فرزندان خود نیز حلالیت می طلبد و سپس به طور شفاهی وصایایی را به همسر و فرزندان بزرگ خود می گوید؛ در سال های دور که وسایل مواصلاتی پیشرفت نکرده بود و زائران مدت زمان طولانی در سفر حج به سر می بردند، وصیت بطور کتبی و نزدیکی از علما یا بزرگان روستا نوشته می شد، اما امروزه سرعت و اطمینان وسایل ارتباط موجب برخی تغییرات در آداب سفر زیارتی حج شده است.

اهالی آوه به واسطه قداستی که برای سفر زیارتی حج قایل هستند در صورتی که زائر از همسایه های آنها باشد، در طول مقدمات سفر و سپس بازگشت وی، از هیچ کوششی در کمک و یاری رسانی دریغ نمی کنند. به طوری که در مراسمی که زائر جهت خداحافظی با اقوام



و دوستان و آشنایان یک یا دو شب قبل از حرکت خود در منزل برگزار می‌کند، همسایگان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند، بخصوص اگر مراسم خداحافظی همراه با ولیمه و سفره باشد. گاه زائر مراسم خاصی را جهت خداحافظی تدارک نمی‌بیند و در طول هفته آخر منتهی به سفر، آشنایان و دوستان و اقوام با حضور در منزل او مراسم دیده‌بوسی و خداحافظی را انجام می‌دهند. با این حال روز قبل از سفر خانواده زائر از چاووش خوان دعوت می‌کند تا مراسم «چاووش خوانی» را به نحو مطلوب انجام دهد. چاووش‌خوانی در این روستا و روستاهای مجاور را حاجی اسماعیل خلیقی انجام می‌دهد که مردی خوش‌چهره و خوش‌صداست. او سالهاست که با صدای آشنای خود زائران را بدرقه می‌کند. قبل از او سیدابوالقاسم میر و مشهدی مهدی شمس دو تن از افرادی بودند که صدای چاووش‌خوانی‌شان هنوز در ذهن پیرمردان و کهنسالان آوه ماندگار است.

حاجی اسماعیل در طول سالهای چاووش‌خوانی خاطرات زیادی

دارد، از جمله آنکه در هنگام تشریف به خانه خدا، خود چاووش‌خوانی سفر خود را کرده است، و طی این سالها، چاووش‌خوانی اکثر اهالی آوه و روستاهای اطراف را به عهده داشته است.

با اعلان زمان سفر از سوی خانواده زائر، چاووش‌خوان آوه با بلندگوی دستی خود به پشت‌بام خانه زائر رفته و شروع به چاووش‌خوانی می‌کند:

بر حبیب خدا ختم انبیاء صلوات
 اول به مدینه پیغمبر خدا را صلوات
 دوم به نجف شیر خدا را صلوات
 در کرب و بلا به شهدای نینوا صلوات

و اینجاست که اهالی ساعت حرکت زائر را از زبان چاووش‌خوان می‌شنوند و در نتیجه فردای آن روز در ساعت مقرر مجدداً چاووش‌خوان با چاووش‌خوانی از طریق بلندگوی خود در جلوی منزل زائر، همسایگان، آشنایان و اقوام را با خیر می‌کند تا مراسم بدرقه زائر از جلوی منزل وی تا ابتدای جاده اصلی انجام شود؛ اهالی به همراه چاووش‌خوان زائر را تا ابتدای جاده اصلی — که حدود یک

کیلومتر است - با پای پیاده بدرقه می‌کنند.

زائر نیز با خداحافظی از جمع بدرقه‌کنندگان، به همراه تنی چند از خانواده و آشنایان خود راهی تهران و فرودگاه خواهد شد.

در طول ایامی که زائر در سفر حج به سر می‌برد خانواده او از طریق تلفن با او ارتباط دارند و از سلامت او آگاه می‌شوند، همسایه‌ها

نیز با دیدن خانواده زائر از حال او می‌پرسند و برایش آرزوی سلامتی می‌کنند.

با رفتن زائر، خانواده او به پختن «آش پشت پا» مشغول می‌شوند و آن را بین

همسایه‌ها توزیع می‌کنند. همچنین گاه مجلس دعا برای سلامتی زائر برپا می‌کنند.

آنگاه با سپری شدن ایام حج، خانواده زائر آماده استقبال از مسافر خود می‌شوند که

«حاجی» شده است و با اطلاع یافتن از زمان دقیق بازگشت حاجی، چاووش خوان

را مطلع می‌کنند تا ورود حاجی را به اطلاع اهالی برسانند.

در آوه مراسم «استقبال» با ویژگی‌های خاصی برگزار می‌شود، به طوری که

منظره بدیعی را در کوچه‌های روستا می‌توان مشاهده کرد. نشان ویژه اهالی برای

استقبال، زنان سینی و مجمعه به دستی است که روی سینی یک منقلک با دو یا

چهار تخم‌مرغ و گاهی گلدانی از گل قرار داده‌اند.

زنان روستا، به خصوص زنان اقوام و همسایگان حاجی با اطلاع از زمان ورود زائر خانه خدا به روستا، منقلک‌ها را از محل خود

بیرون می‌آورند، زغال آماده می‌کنند و در صورتی که حاجی از خویشان درجه یک یا فردی معتمد یا سید و شهره و متدین باشد، چهار

تخم‌مرغ و در صورتی که فرد معمولی یا از خویشان دور باشد دو تخم‌مرغ روی سینی کنار منقلک قرار می‌دهند. برخی نیز یک گلدان

شمعدانی کوچک به نشانه سرسبزی و طراوت زندگی روی مجمعه می‌گذارند و آماده ورود حاجی به روستا می‌شوند. در این فاصله نیز

زنان روستا جلو منزل خود را که محل عبور حاجی است آب و جارو می‌کنند.

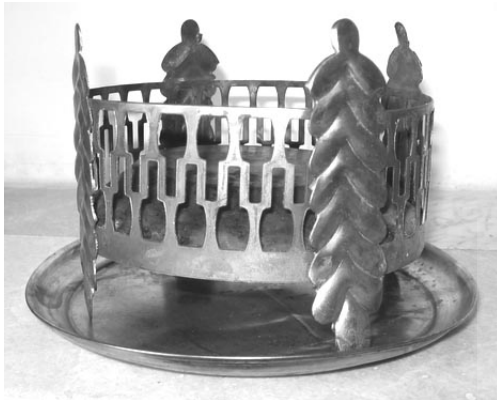
از قبل نیز چند نفر از اقوام و خویشان به همراه پسران و دامادهای حاجی برای پیشواز به تهران رفته‌اند و مستقیماً حاجی را از فرودگاه

به سمت آوه می‌آورند. در اینجا کنار جاده منتهی به روستا افراد مشایعت‌کننده و تعدادی زنان سینی و منقلک به دست ایستاده‌اند. برخی

خویشان حاجی نیز گوسفندانی برای ذبح و قربانی آورده‌اند.

پیاده شدن حاجی از اتومبیل صلوات مشایعت‌کنندگان را به همراه دارد و چاووش خوان، چاووش خوانی را آغاز می‌کند. یکی از بستگان

درجه یک حاجی حلقه‌ای گل برگردن حاجی قرار می‌دهد یا در صورتی که بدانند حاجی حلقه گل دوست ندارد، دسته‌ای گل تزئین شده



تقدیمش می‌کنند. زنان قوم و خویش و همسایگان روستایی نیز اسپند درون منقلک می‌ریزند. دود اسپند و بوی آن اطراف حاجی و همراهانش را می‌پوشاند. زنانی که آشنایان سببی حاجی هستند برخی تخم‌مرغ‌ها را دور سر حاجی می‌چرخانند و بر زمین می‌زنند. یکی دو گوسفند نیز ذبح می‌شود و مشایعت‌کنندگان به طرف منزل زائر حرکت می‌کنند. از هر کوچه که عبور می‌کنند برخی دیگر از زنان روستایی با سینی و منقلک و اسپند و تخم‌مرغ در انتظار هستند و با ورود حاجی به کوچه دود و بوی اسپند فضا را پر می‌کند و مجدداً تخم‌مرغ‌ها بر زمین کوبیده می‌شود.

مراسم استقبال در روستا با منظره جالبی همراه است، به طوری که دیدن ۴۰ تا ۵۰ زن سینی به دست که منقلکی در آن است و دود اسپندها و انداختن تخم‌مرغ‌ها بر زمین، این نوع استقبال را خاص این روستا نموده است.

با رسیدن حاجی به منزل خود از همه کسانی که مشایعت نموده‌اند تقاضا می‌شود که داخل منزل شوند، چرا که به پذیرایی دعوت شده‌اند. از این رو همه مشایعت‌کنندگان وارد خانه می‌شوند و زنان با ورود به منزل سینی و منقلک و گلدان‌های خود را در کنار حیاط منزل می‌گذارند. از این رو بخشی از حیاط خانه زائر مملو از سینی و منقلک‌های مخصوص استقبال می‌گردد.

حاجی در منزل، با افراد و اقوام و خویشان خود دیده‌بوسی می‌کند، سپس قبل از آماده‌شدن سفره و بعد از صرف ولیمه از وقایع و خاطرات سفر سخن می‌گوید و آرزو می‌کند که سفر حج قسمت حاضران نیز گردد.

در این مراسم یکی از خویشان نزدیک حاجی یا چاووشی‌خوان سیاهه‌ای از هدایایی که برای زائر می‌آورند، یادداشت می‌کند؛ چه آنها که گوسفند جلو پای حاجی ذبح کرده‌اند و چه آنها که کادو آورده‌اند، چرا که بعدها حاجی به هر نحو ممکن باید جبران هدایای آنها را بنماید. از این روست که گاهی به دلیل سختی پرداخت مشابه یا ما به عوض هدایا، زائر هنگام مجلس «حلالیت‌طلبی» و خداحافظی و یا در راه خداحافظی از بدرقه‌کنندگان درخواست می‌کند که هدایایی نیاورند.

به لیست سیاهه، در روزهای بعد نیز که همچنان برخی از آشنایان و اقوام از جاهای دور و نزدیک می‌آیند اضافه می‌گردد. گاهی سیاهه شامل هدایای مختلف و زیادی می‌گردد، به طوری که دیده شده به عنوان هدیه برای یک حاجی تا ۱۵ رأس گوسفند نیز آورده‌اند که بعدها باید عوض آن در موقع مناسب به کادو دهنده پیشکش گردد.

به این ترتیب سفر زیارتی حج با مراسم خاص آن در روستای آوه خاتمه می‌یابد و از آن به بعد زائر با عنوان جدید «حاجی» متمایز می‌گردد. عنوان حاجی به فرد تنها نشانه حضور او در سفر روحانی حج نیست، بلکه این عنوان هاله‌ای است که وجهه فرد را در مقابل دیگران و در برابر اعمال و رفتار و کردار و گفتار خود بیمه می‌گرداند تا همواره اعمال و رفتار خود را برای خدا بداند.

منبع:

- الویری، محسن، جغرافیای تاریخی آوه، تهران، انتشارات امید دانش، ۱۳۸۰.

